

محسن جبارنژاد
شریف لک زایی

مأخذشناسی توصیفی آزاداندیشی

۱۳۸-۱۳۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

— مأخذ شناسی توصیفی آزاداندیشی

محسن جبارنژاد / شریف لک زایی

چکیده: در این نوشتار تلاش شده تا منابع و مأخذ راجع به آزاداندیشی معرفی توصیفی شوند. در خصوص آزادی منابع و مأخذ زیادی وجود دارد لکن راجع به مأخذ آزاداندیشی (به عنوان یکی از مشتقات آزادی) وضعیت اینگونه نیست. نوشتار حاضر به توصیف منابع راجع به آزاداندیشی پرداخته است این منابع اعم از کتب مستقل، مقالات گرد آوری شده در کتب، پایان نامه ها و هم چنین مقالات و مصاحبه های مندرج در نشریات است.

کلیدواژه ها: مأخذ شناسی توصیفی، آزاداندیشی،

— فهرس توصیفی لمصادر دراسة التفكير الحر

محسن جبارنژاد / شریف لک زایی

— Descriptive Bibliography of Free Thought

By: Mohsen Jabbārnejād / Sharif Lakzāie

Abstract: In this paper, attempts have been made to introduce and describe the sources of free thought. There are a lot of sources and references about freedom; however, the number of sources is not the same with regard to free thought (as a derivative of freedom). The present paper describes the sources of free thought. These sources include independent books, articles gathered in books, theses, as well as articles and interviews in the publications.

Key words: Descriptive bibliography, free thought

يسعى هذا المقال لاستعراض ووصف المصادر والمراجع التي تبحث في مسألة التفكير الحر. وهناك الكثير من المصادر التي تبحث عن مقولة الحرية، إلا أن الأمر يختلف حول مصادر التفكير الحر. باعتباره واحداً من مشتقات الحرية. حيث يندر العثور على هذه المصادر.

يقدم المقال الحالي تعريفاً مختلفاً أنواع المصادر حول التفكير الحر، والتي تنبوع بين الكتب المستقلة، أو المقالات المختلفة المجموعة في الكتب، وأطروحات التخرج الجامعي، إضافة إلى المقالات والمقابلات المنشورة في المجالات المختلفة.

المفردات الأساسية: الفهرس التوصيفي للمصادر، التفكير الحر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مآخذشناسی توصیفی آزاداندیشی

محسن جبارنژاد
شریف لک زایی

اشاره

آزاداندیشی را می‌توان یکی از مشتقات آزادی دانست. بنابراین می‌توان سیالیت مفهوم آزادی و نیز تشتت و ابهامی را که در تعاریف راجع به آن وجود دارد، به حوزه مفهومی آزاداندیشی نیز تعمیم داد. تا کنون هیچ‌گونه مآخذشناسی جامعی در باب آزاداندیشی صورت نگرفته است. نوشتار حاضر را می‌توان نخستین نوشتار جامع در باره تجمیع و توصیف منابع و مآخذ آزاداندیشی دانست.

ارائه شناخت توصیفی از منابع موجود آزاداندیشی را از طریق پنج عنوان کلی کتب، مقالات، مطالب نشریات داخلی، پایان‌نامه‌ها و منابع غربی پی می‌گیریم:

الف) کتب مستقل

مجموعه مجلدات کتاب درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه‌پردازی در علوم دینی در سال ۱۳۸۳ به وسیله معاونت پژوهشی حوزه توسط دانشگاه باقرالعلوم قم تهیه شد. این مجموعه مجلدات که حاوی مقالات، سخنرانی‌ها، سلسله نشست‌ها، سخنرانی‌ها میزگردها و گفتگوهاست، عمدتاً درباره تولید علم است و نه آزاداندیشی، حال آنکه تولید علم و آزاداندیشی یکی نیستند، گرچه آزاداندیشی را می‌توان مقدمه تولید علم دانست.

کتاب دیگر «آزاداندیشی و مردم‌گرایی» نوشته عبدالرفیع حقیقت است. این کتاب بیش از آنکه درباره آزاداندیشی باشد، راجع به تاریخ ایران است. در این کتاب بدون آنکه مفهوم شناسی‌ای درباره آزاداندیشی صورت بگیرد، صرفاً از برخی شخصیت‌های آزاداندیش در تاریخ ایران نام برده شده است.

کتاب دیگر «آزاداندیشی حوزویان و استبداد طاغوتیان» نوشته محمدرضا نکونام است. این کتاب با اشاره به عناوینی نظیر آزادی روحانیون، زندگی در اختناق، آزادی در حوزه، اختناق قشری‌گرایان و ... به شرایط زیست‌عالمان دین در شرایط استبداد اشاره می‌کند.

کتاب «آزاداندیشی اسلامی و روشنفکری دینی» کتابی است که درباره آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نگاشته شده است. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در کتاب «آزاداندیشی اسلامی و روشنفکری دینی» تلاش کرده تا به دغدغه‌هایی از این جنس بپردازد. این کتاب در اصل در پاسخ به سؤالات مجله نگاه حوزه در سال ۱۳۸۷ نوشته شده است که با تأخیری ۴ ساله در سال ۹۱ منتشر شد. سؤال اصلی پرسش‌کنندگان این است که «روشنفکران پایبند به شریعت محمدی و اسلام ناب چه باید بکنند که هم جریان روشنفکری را به نام هدایت‌گری دینی در چارچوب اسلام، از خیزها و خیزش‌ها و توفندگی‌ها که لازمه جریان روشنفکری است باز ندارند، هم ترازمند و به گونه‌ای صحیح و برابر معیارهای شرع، به پیشرفت و پیشستازی و پیشاهنگی آن کمک کنند». هاشمی می‌کوشد در پاسخ به این سؤال از تاریخ کمک بگیرد و با استفاده از تجربیات محقق شده، تمدن اسلامی در مسیر شکوفایی راهکارهایی را برای آینده جریان روشنفکری دینی پیشنهاد کند. در همین راستا به دو تجربه اشاره می‌کند. تجربه اوج تمدن اسلامی در طی قرون سوم تا پنجم هجری و دیگری تجربه انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی. به اعتقاد ایشان با بررسی جریان تاریخی تکوین و نمو تمدن اسلامی در قرون گذشته و نیز تجربه تاریخی انقلاب اسلامی در سده اخیر، می‌توان هم عوامل

۱. حقیقت، عبدالرفیع: آزاداندیشی و مردم‌گرایی در ایران؛ تهران: نشر کوش، ۱۳۸۷.

عقیده در اسلام» نوشته مرتضی مطهری و نهایتاً آزادی و وحدت فکری نوشته عبدالمجید نجار دارند.

مجموعه دوجلدی آزادی که حاوی مقالات ارائه شده در چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی است نیز به برخی عناوین مرتبط با آزاداندیشی پرداخته است. به برخی مقالات کتاب مذکور در ادامه اشاراتی خواهد شد.

ب) مقالات^۳

تعدادی از مقالات داخلی نیز که اشاراتی به مسئله آزاداندیشی داشته‌اند، به اجمال بررسی خواهد شد.

شریف لکزایی در مقاله «آزاداندیشی در حوزه‌های علمیه: شخصی یا نهادی؟» مدعی است که آزاداندیشی در سازمان روحانیت شیعی، همواره دغدغه‌ای شخصی بوده و به دغدغه‌ای نهادی تبدیل نشده است. از این رو آزاداندیشی به وسیله معدودی از عالمان مورد توجه بوده است. با این وصف، سازمان روحانیت شیعه باید ضمن آسیب‌شناسی این مسئله، با حمایت رسمی و نهادی از آزاداندیشی، زمینه‌های بسط و رونق دانش‌های اسلامی را پدید آورد و مسئله آزاداندیشی را در سازمان روحانیت نهادینه کند و آن را از یک مسئله شخصی به مسئله‌ای نهادی و سازمانی ارتقا و تعالی بخشد. نکته دیگر آنکه شریف لکزایی به عنوان یکی از پژوهشگران فلسفه سیاسی متعالیه معتقد است که ملاحظه در آغاز کتاب معروف خود، اسفار اربعه، درباره آزاداندیشی بحث می‌کند و در دو اثر «رساله سه اصل» و «کسراصنام جاهلیه» نسبت به فضایی که در جامعه آن روزگار وجود داشته و عرصه را بر عالمان آزاداندیش تنگ می‌کرده انتقاداتی وارد کرده است. لکزایی در یادداشتی در سیزده اردیبهشت ۹۱ در جام جم، به تبیین آزاداندیشی از منظر استاد مطهری می‌پردازد. ایشان معتقد است که روح کلی بحث استاد مطهری این است که با فرهنگ‌سازی و وضع قوانین مناسب و تربیت و تعلیم و تعلم صحیح بتوانیم آزاداندیشی را از سطح فردی و شخصی به یک سطح عمومی و جمعی ارتقا دهیم که خواست اکثریت باشد. استاد در بحث آسیب‌ها و موانعی که ممکن است وجود داشته باشد بحث معیشت و مسائل مادی را خیلی مهم می‌داند که در کتاب فلسفه تاریخ و سایر آثار تصریحاتی در این باره دارد که فراغت فیلسوف و هنرمند و عالم در فلسفه‌ورزی، هنرمندی و علم‌ورزی نباید به معیشت وابسته باشد.

شکوفایی را شناخت و هم درباره شرایط انحطاط اندیشید و از همه مهم‌ترین‌های مانع در برابر این نیروهای تحول‌خواه را شناسایی کرد. «انقلاب اسلامی به حق یک فرصت تاریخی برای جهان اسلام و به خصوص مکتب اهل بیت فراهم آورده که ظرفیت‌های تمدن‌سازی و ارتقا بشریت را که در مکتب اسلام نهفته است به کارگیرد و اسلام را آن‌گونه که هست به جهانیان معرفی کند... در سایه این ایمان و اعتقاد و با استفاده از درس‌های روشن تاریخ و با استمداد از رسول باطن (عقل) می‌توانیم پیش‌قراول این کاروان باشیم». «آزاداندیشی اسلامی و روشنفکر دینی» چنان‌که نویسنده اذعان دارد طرح‌هایی است در جهت تحول در نظام معرفتی فقهی متعارف با تکیه بر تجربه عملی انقلاب اسلامی^۲.

کتاب «آزادی و دانش» تألیف شریف لکزایی با آنکه عنوان آن مستقیماً به آزاداندیشی اشاره‌ای ندارد، با نگاهی به محتوای کتاب و خصوصاً رابطه‌ای که می‌توان میان آزاداندیشی و تولید علم برقرار کرد، از اهمیت بالایی برخوردار است. این کتاب در چهار گفتار به تبیین و بررسی مناسبات میان دانش و آزادی می‌پردازد. لکزایی در این کتاب معتقد است آنچه می‌تواند ذهن یک اندیشمند، پژوهشگر و صاحب‌نظر را به‌ویژه در حوزه علوم انسانی به خود مشغول دارد، آزادی و نسبت آن با دانش است. بنابراین برقراری هرگونه نسبتی میان این دو می‌تواند در تحولات آزاداندیشی و نظریه‌پردازی و حرکت آن به سمت تولید دانش نقش پیش‌برنده یا بازدارنده داشته باشد.

کتابی با عنوان «خط قرمز» حاوی مقالات و گفت‌وگوهای متعددی است که عمدتاً درباره آزاداندیشی و بیان حد و مرزهای آن به وسیله نشرقطره چاپ شده است و عناوین متعددی راجع به آزادی اندیشه و آزاداندیشی و آزادی بیان را در خود جای داده است.

کتاب دیگر «دینداری و آزادی» است که به وسیله محمدتقی فاضل میبیدی تدوین شده است. در این کتاب مقالات و سخنرانی‌هایی از افراد متعدد نظیر مهدی بازرگان، علی شریعتی، محمدتقی جعفری، حمید عنایت، عزت‌الله سبحانی، عبدالرحمن کواکبی، مرتضی مطهری، احمد نراقی، عبدالکریم سروش، عبدالله جوادی آملی و... جمع‌آوری شده است. برخی عناوین مقالات ارتباط نزدیک‌تری با موضوع آزاداندیشی دارند، مانند مقاله «آزاداندیشی» اثر آیت‌الله رضا استادی، «اسلام و آزادی فکر» نوشته صدرالدین بلاغی، «عقل و آزادی» نوشته عبدالکریم سروش، «آزادی تفکر و

۳. در توضیحات راجع به مقالات از چکیده آنها استفاده شده است.

۲. پایگاه خبری جماران.

نه تنها از این انسان هیچ اثر و نشانه‌ای در طول تاریخ نمی‌یابیم که در جوامع معاصر هم کوچک‌ترین اثری از او نمی‌توان یافت.

حامد حاجی حیدری در مقاله «کاوشی نظری در کرسی‌های آزاداندیشی» معتقد است که ایده آزاداندیشی مورد نظر آیت‌الله خامنه‌ای رهبرانقلاب اسلامی مبتنی بر دو گزاره است: گزاره اول در این باره است که امکان رسیدن به حقیقت وجود دارد و گزاره دوم مبتنی بر تحقق کرسی‌های آزاداندیشی از طریق گفت‌وگوی میان متخصصان است. حاجی حیدری در این مقاله می‌کوشد تا نشان دهد یکی از موانع نظری قابل توجه در سر راه تحقق این ایده، شکاکیت معرفت‌شناسانه به امکان گفتگو در نظریه پردازی‌های مدرن از سویی و از میان رفتن وحدت رویه در پرکتیس و اخلاق در فرهنگ مدرنیته، از سوی دیگر بوده است. دانشگاهیان ایرانی نیز به عنوان کنشگرانی که در صف اول مواجهه با امواج نظری و فرهنگی غرب بوده‌اند، با جذب بخشی از این حال و هوا، خواسته یا ناخواسته، تمایل چندانی به گفتگو نشان نمی‌دهند. این مقاله با محور قراردادن آرای مک اینتایر می‌کوشد تا این مسئله را بکاود. یکی از اصلی‌ترین مسائل مورد توجه مک اینتایر، از میان رفتن امکان گفتگوهای عقلانی در فرهنگ مدرنیته است. او عاطفه‌گرایی، چه در حوزه نظری و چه در عرصه اجتماعی را دلیل عمده‌ای برای این مسئله می‌داند و برای ایجاد امکان دوباره گفتگوی عقلانی می‌کوشد تا نظریه عامی از فضائل را بیرواند و اهمیت پرکتیس، تاریخ و سنت را برای تحقق هرگونه گفتگویی خاطر نشان سازد. این مقاله با بهره‌گیری از این دستگاه نظری می‌کوشد تا در نهایت نشان دهد چگونه بازسازی دوباره مبنای واحدی برای اخلاق و پایبندی به سنت می‌تواند شرایط لازم برای تحقق ایده کرسی‌های آزاداندیشی را فراهم آورد.

زهرا فتحی در مقاله «آزاداندیشی در تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری» آزاداندیشی دینی را از منظر استاد مطهری، منوط به رفع دو دسته موانع درونی و بیرونی می‌داند. نویسنده مقاله در ادامه عنوان می‌کند که تعقل، نبود مانع در جلوی تفکر و تعبدی و تقلیدی عمل نکردن از عوامل اساسی مفهوم آزاداندیشی است. عوامل زمینه‌ساز آزاداندیشی دینی را می‌توان در عوامل بیرونی از قبیل بنیان‌های منطقی دینی و نبود حاکمیت مستبدانه جستجو کرد یا در درون انسان عواملی از قبیل تربیت ربانی، تقوا و زهدورزی را پرورش داد. متناسب با عواملی که بیان می‌شود، روش‌های پرورش آزاداندیشی دینی را نیز می‌توان به دو دسته «برون تربیتی» از قبیل جدال احسن، تذکر، رفق و مدارا در تبیین مسائل دینی،

سید جلال دهقانی فیروزآبادی در مقاله‌ای تحت عنوان «آزادی اندیشه و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران» به بررسی رابطه میان آزاداندیشی و منافع ملی می‌پردازد. دهقانی فیروزآبادی در این مقاله چنین استدلال می‌کند که تعریف و تعیین محتوا، عناصر و ارزش‌های مقوم منافع ملی واقعی و تعقیب و تأمین موفق آن مستلزم آزادی اندیشه در هر دو سطح تصمیم‌گیری و تحلیل‌گری در سیاست خارجی است. چون تعریف، تعیین، تعقیب و تأمین منافع ملی واقعی، مستلزم آزادی تصمیم (انتخاب گزینه بهینه)، تشخیص (شناسایی و تعیین ارزش‌های واقعی و اولویت آنها)، تصدیق (انطباق ارزش‌های انتخابی با ارزش‌های واقعی و عینی) و تنفیذ (به کارگیری بهترین ابزارها و سازوکارها) است که در پرتو آزادی اندیشه محقق و عملی می‌شود.

مقاله دیگر «بنیان‌های نظری آزاداندیشی دانشگاه مولد و نهضت تولید علم» نوشته مجتبی مطهری‌نیا است که حول پرسش‌هایی نظیر «آزاداندیشی چیست؟ بنیادهای نظری آن کدام است؟ علم چیست؟ مؤلفه‌های شناخت یا تمییز آن کدام است؟ آیا ارتباطی میان «آزاداندیشی» و «علم» وجود دارد؟ در صورت وجود ارتباط، شکل این ارتباط از چه هویتی برخوردار است؟ «آزاداندیشی» اصالت دارد یا علم؟ ارتباط آنها «متقابل» است یا متفان؟ آزاداندیشی چه نقشی در فرایند تولید علم ایفا می‌کند؟» سامان یافته است.

مقاله دیگر «افسانه آزاداندیشی» از سعید زیباکلام است. زیباکلام در این مقاله آزاداندیشی را قلب تپنده همه انواع روشنفکری می‌داند. آزاداندیشی مدعی است که روشنفکر باید هنگام اندیشیدن فارغ‌بال و رهیده از هر نوع شبکه ارزشی بینشی باشد، خواه آن شبکه موروثی و تاریخی باشد، خواه زمینه‌مند و اجتماعی، خواه لیبرالیستی، خواه سوسیالیستی، خواه مدرنیستی و خواه دین‌مدارانه. زیباکلام در ادامه اشاره می‌کند که اگر مراد از آزاداندیشی، اندیشیدن انسانی است که عاری از هر نوع تعلقات و تلقیات باشد، در این صورت آزاداندیشی سرابی و افسانه‌ای بیش نیست که انسان مدرنیست غربی پس از طرد ورد ادیان الهی و خدای رحمان و رسولانش در نهضت روشنگری قرن هجدهم برای ترغیب و تحکیم نهضت استقلالی خود از مبدأ و معاد ساخته و پرداخته است. هر قدر در آثار روشنفکران اعم از دینی و غیردینی، ایرانی و غیرایرانی، مدرنیست و مکتبی بیشتر بخوانیم، بیشتر در خواهیم یافت که انسان آزاد، فارغ از تعلقات و رهیده از جمیع تمنیات، چیزی جز ساخته‌های متوهمانه روشنفکران نیست و

تسامح دینی، هدایت افکار و «خود تربیتی» از قبیل جستجوگری، برخوردی استدلالی با جهان، ترکیه نفس و عادت به تفکر تقسیم کرد.

غلامرضا خواجه سروی در مقاله «تبارشناسی آزادی در سنت مردم سالاری دینی»، در پی تبیین تبارشناسی الگویی برای ترویج فرهنگ آزاداندیشی در جمهوری اسلامی است و در این راستا سیره امام رضا (ع) را به عنوان الگوی آزاداندیشی تبیین می‌کند.

مقاله بعدی تحت عنوان «اخلاق مناظراتی و مناظرات اخلاقی در سیره رضوی و شیوه به کارگیری آن در کرسی های آزاداندیشی» به وسیله چهار نویسنده (محمودی، مرضیه؛ خاکپور، حسین؛ گلی، مهرناز؛ نوری، ابراهیم) به نگارش درآمده است. در این مقاله همان‌گونه که خود نویسندگان هم آورده‌اند هدف، توجه به ابزار کارآمد مناظره در سیره امامان معصوم به ویژه امام رضا (ع) و اقتباس روش های جدال احسن از مناظرات آن حضرت با پیروان ادیان و مذاهب است. یافته های تحقیق نشان می‌دهد که علاوه بر حاکمیت فضای علمی بر مناظرات، «اخلاق مناظراتی» و «مناظرات اخلاقی» این امام جلوه ای خاص به این کرسی ها بخشیده و همین ویژگی باعث جذب حداکثری به سمت اسلام گردید. برخورد هدایتی و رعایت انصاف، اولویت عمل به فرایض دینی از جمله نماز اول وقت، حاکمیت عقل و منطق از دیگر ویژگی های مناظرات امام است.

بحث و نتیجه گیری: نتیجه اینکه با توجه به سیره امام رضا در صورت بهره گیری از «اخلاق علمی و عملی» در کنار «اخلاق باور» در کرسی های آزاداندیشی می توان آنها را سودمند، کارآمد و مؤثر کرد.

عباس مصلائی پور در مقاله «اصول مناظره و آزاداندیشی با تکیه بر مناظره های امام رضا (ع)» در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که اصول و بنیان های حاکم بر مناظره های تاریخی امام رضا (ع) چه بوده است؟ یافته های این تحقیق ناظر به این مسئله است که در مناظره های امام رضا (ع)، آشنایی با مکاتب و مذاهب، بیان اصول و معیارهای عقلانی، آزادگی و روح علمی و تسلط بر علوم از مهم ترین اصول مناظره نزد حضرت رضا (ع) است. مهم ترین اصول آزاداندیشی نزد آن حضرت، سلامت انگیزه، پاسداشت صاحبان اندیشه، انصاف علمی و جلوگیری از مواردی همچون داوری عجولانه، اسطوره گرایی و شخصیت پرستی، نوگریزی و نوشتیفتگی، بیگانه پرستی و خودکم بینی، دل بستگی های حزبی و جناحی و وابستگی حاکمیت سیاسی است. این اصول کاربردی می تواند الگویی برای تدوین سند چگونگی یک مناظره صحیح و اخلاق محور در میان تمامی اندیشمندان ادیان و مذاهب در سراسر دنیا باشد و در این صورت است که می توان گفت آزاداندیشی منجر به رفتارهایی که موجب انحطاط ارزش های اخلاقی انسان است نمی شود.

سیدصادق سیدحسینی تاشی در مقاله «تعبدگرایی و آزاداندیشی، تأملی در مقالات تضاد و تعارض در فقه اسلامی» در فصل تعبدگرایی و آزاداندیشی از کتاب «تضاد و تعارض در فقه اسلامی» تأمل نقادانه می‌کند و از منظری فقهی. حقوقی به آن می‌پردازد. نویسنده در این فصل کتاب خود، روند قضا در کشورهای اسلامی را حرکت از تعبدگرایی به آزاداندیشی معرفی کرده و برای اثبات آن، به برخی پرونده های قضایی طلاق در کشورهای اسلامی استشهاد کرده است. تلاش ناقد بر اثبات این مسئله است که اولاً نشان دهد روحیه تقلیدگرایی به فقه سنی قدیم منحصر است و فقه شیعه و فقه سنی معاصر، فقهی پویا است. ثانیاً با تأکید بر تفاوت فقه و قانون و بیان اقتضات آن دو، آنچه را که نویسنده تضاد و تعارض انگاشته، از عدم توجه به اقتضات قانون در برابر اقتضات فقه معرفی شده است.

مقاله محمدرضا جباران با عنوان «امکان طرح آزاداندیشی در پژوهش به مثابه یک مسئله اخلاقی بر مبنای منابع اسلامی» با اشاره به مجادلات میان اثبات‌گرایان و تفسیرگرایان در باب روش تحقیق و تأکید اثبات‌گرایان بر آزاداندیشی (اندیشیدن فارغ از ارزش‌های اخلاقی)، تلاشی است برای تعیین ارزش‌های کنترل‌شدنی در فرایند پژوهش از منظر منابع اسلامی. نویسنده در این تلاش ثابت می‌کند که انسان می‌تواند با پیشگیری و درمان، خود را از تأثیر جهل، ترس، طمع و تعصب به عنوان موانع عام و فراگیر آزاداندیشی دور نگه دارد. این مقاله نیز عمدتاً به برخی موانع آزاداندیشی پرداخته که بیشتر جنبه درونی دارد.

سیدحسین در مطلبی که در تیر ۱۳۵۳ در مجله پیام یونسکو به چاپ رسیده، ابوریحان بیرونی را فیلسوفی می‌داند مستقل‌الرأی که از هیچ فرقه و مکتبی پیروی نکرد و «آزاداندیشی» را پایه گذاشت. نصر به این دلیل ابوریحان را پایه‌گذار آزاداندیشی می‌داند که انتقاد شدید از اندیشه ارسطویی در تمدن اسلامی، چنان‌که بعدها یعنی از پایان قرون وسطی تا قرن هفدهم میلادی در اروپا اتفاق افتاد، از طرف کسی که پیرو اصالت عقل باشد صورت نگرفت، بلکه از جانب شخصیتی بود مانند بیرونی که ایمان مذهبی و عقاید متافیزیکی و جهان‌شناسی اسلام در وجود او ریشه‌های عمیقی دوانیده بود. از آنجا که بیرونی از درون جهان بینی سنتی سخن می‌گوید، بدون شک دفاع او از علم محض (نظری) و نظریه کسانی که برای سودمند بودن علم (عملی) اهمیت قائل‌اند، بالاخره در بالاترین سطح به هم می‌پیوندد؛ زیرا مگر ممکن است که امری «مفید» تراز دانش که زینت روح انسان و وسیله رسیدن انسان به دنیای اسلام نخستین بار به وسیله ابوریحان بیرونی با هند آشنایی حاصل کرد.

چیستا یربی در مقاله «آزاداندیشی و خلاقیت در آموزش هنر» با تأکید بر آرای ژان شاتو و جان دیویی به این پرسش اساسی می‌پردازد که چگونه می‌توان آزاداندیشی و خلاقیت را در همه جوانب نظام آموزش هنری وارد کرد؟

داود فیرحی در مقاله‌ای با عنوان «آواز قوی هاشمی» به بررسی آزاداندیشی از منظر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌پردازد. فیرحی در این مقاله که در دی ماه ۹۵ و در آستانه اولین سالگرد ارتحال مرحوم هاشمی منتشر شد، معتقد است که پروژه آزاداندیشی، آخرین تجربه زیستی هاشمی و اندیشه پایانی او بود. وی در این مقاله به تبیین آزاداندیشی از منظر آیت‌الله هاشمی می‌پردازد. مقاله مزبور عمدتاً به مقوله تحجیر به عنوان یکی از موانع آزاداندیشی در اندیشه هاشمی بسنده می‌کند.

آیت‌الله رضا استادی در مقاله‌ای با عنوان «آزاداندیشی» تبیینی از این مسئله در بسترتفکر اسلامی ارائه می‌دهد. وی آزاداندیشی را بر اساس سه مرحله تعقل و تفقه و تسلیم تبیین می‌کند و در هر مرحله دلالت‌هایی را از آیات و روایات ناظر بر هر کدام از این مراحل می‌آورد. این مقاله عمدتاً تبیینی دینی و از منظر اندیشه شیعی از آزاداندیشی به دست می‌دهد.

صدرالدین بلاغی نیز در بحثی با عنوان «اسلام و آزادی فکر» به تبیین آزاداندیشی از منظر اسلام می‌پردازد و از آن دفاع می‌کند.

ج) پایان‌نامه‌ها

موسوی، میرکازم؛ آزادی و آزاداندیشی در اشعار ناصر خسرو قبادیانی، پروین اعتصامی و ملک‌الشعراى بهار (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)؛ استاد راهنما: نورالله نوروزی داودخانی، استاد مشاور: محمدرضا شادمنامن، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، ۱۳۹۲.

تحقیق راهکارهای عملی امام رضا(ع) در تبیین آزاداندیشی در حوزه معنویت بررسی شده و مؤلفه‌های آزادی معنوی به شیوه‌ای مطلوب الگوسازی شده است.

خداوردیان، محمد؛ ارزیابی مدل برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی در راستای تولید علم (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)؛ استاد راهنما: حسینعلی جاهد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، ۱۳۹۴.

نویسنده معتقد است اولین و مهم‌ترین شاخصه متمایز کرسی‌های آزاداندیشی حاکمیت روح آزاداندیشی است. یکی از اهداف برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی کمک به تولید علم به ویژه در حوزه علوم انسانی و اسلامی است، اما این روش و سیاق تولید علم در دانشگاه‌ها هنوز تعریف شده نیست و از آنجا که کرسی‌های آزاداندیشی سازوکاری برای تولید علم است، نیاز است به صورت کاملاً تخصصی دنبال شوند. در این راستا تحقیق حاضر با هدف ارزیابی مدل برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی در مراکز آموزشی عالی در راستای تولید علم انجام شده است.

دانیایی، مجید؛ فتواخواهی: پروبلماتیک زندگی روزمره در زیست دینی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)؛ استاد راهنما: فاطمه صادقی گیوی، غیردولتی. مؤسسه‌های آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی. دانشگاه علم و فرهنگ تهران. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۲.

نویسنده در توصیف اثر خود چنین می‌گوید: درست که به لحاظ اداری و دانشگاهی این نوشته یک پایان‌نامه به حساب می‌آید، اما به واقع اطلاق این واژه به نوشته‌ای این چنین به نظر نویسنده بسیار ناپسند و نادرست است. مبنای کار در اینجا دامن زدن به پرسشی معرفت‌شناختی است که حول سه محور قدرت/دین، قدرت/دانش و قدرت/روش علمی می‌گردد که می‌توان آن را مصداق بارز توصیه جناب آقای آیت‌الله خامنه‌ای مبنی بر بی‌افکنی و بسط کرسی‌های آزاداندیشی دانشگاهی دانست. نویسنده با شرح چگونگی شکل‌گیری مسئله در ذهن خویش پژوهش را آغاز می‌کند و سپس پای روش را به میدان پرسش می‌کشد. در این زدوخورد نظری دست به ابداع یا جعل و اصلاح روشی به نام داستان تحفاری می‌برد. سپس با چسب و قیچی به جان ادوار فقه امامیه می‌افتد و به گونه‌ای شبه تبارشناختی روایت متفاوتی از آن به دست می‌دهد. آن‌گاه برای نمونه یکی از نهادهای جامعه‌شناسی دین در ایران را به بوتۀ نقد فرومی‌افکنند و در آخر در یک گفت‌و شنفت دیالکتیکی سقراطی استاد و شاگردی، با ثبت رابطه دوستانه و هم‌فراينده میان

پژوهش حاضر با هدف گردآوری یک مجموعه تحقیقی و پایان‌نامه درباره آزادی و آزاداندیشی در اشعار ناصر خسرو قبادیانی بلخی، پروین اعتصامی و ملک الشعرای بهار، به منظور بررسی و شناخت گوشه‌هایی از فرهنگ کهن ایران زمین و ارزیابی اشعار شاعران فوق در باب آزادی و آزاداندیشی و میزان تأثیرگذاری این اندیشه‌ها بر جریانات سیاسی، اجتماعی و ادبی جامعه ایران حاضر تدوین یافته است تا منبعی اصیل و قابل ارجاع برای هویت‌گیری دینی. ملی برای جامعه و نسل کنونی کشور باشد

الیاس پوریان، زینب؛ آسیب‌شناسی آزاداندیشی از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)؛ استاد راهنما: سیدرحمت‌الله موسوی مقدم، مؤسسه‌های آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی دانشکده اصول‌الدین، ۱۳۹۴.

در این پژوهش سعی شده است با ارائه مبانی فکری و مؤلفه‌های آسیب‌شناسی آزاداندیشی از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه عرصه جدیدی در این حوزه ایجاد شود.

امیریان، طیبه؛ جایگاه و مبانی آزاداندیشی در کلام امام رضا(ع) (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)؛ استاد راهنما: مجتبی بیگلری، استاد مشاور: اعظم فرجامی، دانشگاه رازی کرمانشاه، ۱۳۹۴.

در این تحقیق ابتدا جایگاه و مبانی آزاداندیشی - با توجه به ملاک‌های دینی. از دیدگاه حضرت بررسی شده و سپس به تبیین آن در حوزه پلورالیسم درون دینی و برون دینی پرداخته شده است و پس از شرح شیوه رفتاری امام با سران فرق و مذاهب، نحوه برخورد ایشان با بُعد ناهنجاری تعدد فرق بررسی شده است. آن‌گاه رفتار امام در بُعد هنجاری و مثبت تعدد فرق و ادیان الگوسازی شده است. در مبحث دیگر اصول نظری و عملی حضرت در تبیین چهارچوب کلی سیاست با توجه به ایده آزاداندیشی بررسی شده است. برای این منظور بعد از بررسی در مورد پیشینه بحث سیاست در حوزه اسلامی، اصول نظری مربوط به این حوزه شرح و آن‌گاه با توجه به الگوی رفتاری حضرت رضا(ع) در شئون مختلف و فراز و نشیب‌های عصر ایشان، چهارچوب عملی آزاداندیشانه حضرت در بعد عملی استنباط و جمع‌آوری شده و الزامات آزاداندیشی سیاسی در غالب مباحث اصیل حکومتی مطرح شده است. در پایان این فصل به نقد یک نظریه سیاسی نوین که با منش حضرت رضا(ع) در تضاد است، پرداخته شده و عیوب آن از دیدگاه‌های گوناگون شرح و تفصیل شده است تا ابعاد وسیع‌تری از توجه به معیارهای حضرت تداعی و ترسیم گردد. در پایان این

خود و استاد راهنما، ظاهراً خرده‌نتایجی نیز به دست می‌آورد. آن نتایج، تازه می‌تواند پرسش‌های تحقیق باشد. پس این نوشته در اصل فراتر از یک طرح تحقیقاتی نمی‌تواند باشد و ارجاع به آن به جز در متون دانشگاهی یا حوزوی مجاز نیست و موجب ضمان شرعی و اخلاقی می‌گردد.

پایداری، پویا؛ نقش کرسی‌های آزاداندیشی دانشگاه‌ها در تحقق منویات مقام معظم رهبری؛ طرح پژوهشی، ۱۳۹۲.

نویسنده در این پایان‌نامه عمدتاً به بحث راجع به مدیریت کرسی‌های آزاداندیشی و الزامات آن می‌پردازد و معتقد است که در صورتی که کرسی‌ها به شکل صحیح مدیریت و هدایت نشود، نه تنها این هدف تحقق نخواهد یافت، بلکه زمینه تخریب و انحراف جریان آزاد فکر و اندیشه فراهم خواهد شد.

عارف نسب، هاجر؛ جستاری پیرامون ارتباط ضریب هوشی و آزاداندیشی با خلاقیت در ترجمه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: رضا رضوانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

نویسنده در این پایان‌نامه ارتباط میان خلاقیت، آزاداندیشی و ضریب هوشی را بررسی می‌کند و سرانجام نتیجه می‌گیرد که بین ضریب هوشی و خلاقیت در ترجمه از نظر آماری ارتباطی وجود دارد. همچنین نتایج این تحقیق ارتباط قوی میان آزاداندیشی و خلاقیت در ترجمه را تأیید کرد. ایضاً نتایج این تحقیق الزاماتی را در زمینه درک نظری و توصیف ویژگی‌های اختصاصی خلاقیت، ضریب هوشی و آزاداندیشی شامل می‌شود.

جبارنژاد، محسن؛ موانع آزاداندیشی در فرهنگ سیاسی ایران (با تأکید بر موانع فرهنگی و تاریخی) پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ استاد راهنما: حسینعلی کریمی فیروزجائی، دانشگاه پیام نور تهران غرب.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که با عنایت به فرهنگ سیاسی ایران، در راه بسط فرهنگ آزاداندیشی سه مانع از بقیه جدی‌ترند: استبداد، تحجر و روشنفکری. این موانع با آنکه می‌توان آنها را ذیل فرهنگ سیاسی تعریف کرد، در عین حال موانعی فرهنگی تاریخی نیز هستند؛ تاریخی از این حیث که در طول دوره‌هایی طولانی از حیات اجتماعی جامعه ایرانی شکل گرفته‌اند. برای مثال استبداد را می‌توان از این سنخ دانست. استبداد سیاسی خود به مرور زمان باعث تولید فرهنگ استبدادی نیز می‌شود. پس از انقلاب اسلامی با آنکه عامل سیاسی استبداد یا انسداد سیاسی رفع و دفع شد،

همچنان پسماندهایی از فرهنگ استبدادی از دوره‌های پیشین استبداد سیاسی برجای مانده است. تحجر نیز با مخالفت با اصل تفکر و نوآوری فکری، مانع جدی‌ای در برابر آزاداندیشی محسوب می‌شود و در نهایت روشنفکری در ایران به طی نکردن مسیر طبیعی خود (همانند آنچه در غرب وجود داشت)، هیچ‌گاه نتوانست حیات مستقلی از روشنفکری غربی را برای خود رقم بزند و به همین دلیل در بند تقلید گرفتار آمد و بدیهی است که تقلید، خود مانعی است جدی برای آزاداندیشی.

(د) مباحث نشریات (یادداشت، گفت و گو، مصاحبه و ...)
ماهانامه زمانه وابسته به پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی نیز در پرونده‌ای ویژه با عنوان «اسارت عقل» به تبیین آزاداندیشی پرداخته است.

در گفت‌وگوی اول این پرونده، داریوش رحمانیان به پیشینه آزاداندیشی پرداخته است و آن را از زمان افلاطون تا دوران مدرن واکاوی کرده است. سپس به تاریخ آزاداندیشی در ایران اشاراتی دارد، سپس روایتی از آزاداندیشی در دوران رنسانس ارائه می‌دهد. وی سپس به بررسی تاریخی عصر منورالفکری در ایران می‌پردازد و نسبت آن را با آزاداندیشی مشخص می‌کند. بعد به نواندیشی دینی و نسبت آن با آزاداندیشی می‌پردازد. رحمانیان سپس به روایت‌های جدید غربی باز می‌گردد و با معرفی ایده‌های پست مدرن‌ها و نظریه پردازان انتقادی نظیر مارکوزه، مدعی بن بست آزاداندیشی در غرب می‌شود.

امیرسیاهپوش در این پرونده در یادداشتی با عنوان «امر بین الامرین» به تبیین مفهوم شناسانه آزاداندیشی در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازد.

علی بیگدلی در گفتگویی تحت عنوان «روشنفکری و روشنگری» معتقد است سرنوشت پریشان آزاداندیشی در دوران جدید ایران که از جنگ‌های ایران و روسیه شکل گرفت تا حدود زیادی به گسست و پریشانی در جریان‌های روشنفکری ما مربوط می‌شود. بر خلاف سنت فکری غرب که در آن معمولاً تفکر متفکران هر دوره و نیز دوره‌های مختلف، خط سیری ممتد و مرتبط با یکدیگر داشته است و امتداد یا نتیجه هم محسوب می‌شود، جریان روشنفکری در ایران به صورتی گسسته، جزیره‌ای و عموماً ناپایدار حضور داشته است. چهره‌های شاخص این جریان نیز اغلب به روینای مدرنیته توجه نموده‌اند. همین مسئله باعث شده است فضای مناسب برای تقویت و بسط جریان آزاداندیشی فراهم نشود و این جریان به

در کشور حاکم شود و مانع بروز اندیشه‌های مخالف گردد. وی معتقد است در این حالت محافل علمی دچار سیاست زدگی می‌شوند. وی مغالطات منطقی را هم به عنوان موانع دسته سوم که از جنس معرفت است معرفی می‌کند.

فصلنامه علوم انسانی صدرا در چهارمین و پنجمین شماره خود در مقالات و گفتگوهای متعددی به تبیین آزاداندیشی می‌پردازد که به صورت اجمالی اشاره خواهیم کرد.

عطاءالله رفیعی آتانی در یادداشتی با عنوان نسبت جمهوری اسلامی با آزاداندیشی به تبیین این نسبت می‌پردازد. از نظر او برای حرکت عمومی همه مردم به سمت اهداف الهی، همه مردم برای افزایش عقلانیت فردی و اجتماعی موظف‌اند که بیندیشند. هر جایگاه و منزلتی که می‌خواهد به تحقق پایان‌ناپذیر جمهوری اسلامی کمک کند، ابتدا باید کمک کند که همه مردم فکر کنند، آن‌گاه حکومت اسلامی که مبنای مشروعیت خود را از تداوم فلسفه امامت شیعی دارد، موظف است که اذهان مردم را هدایت کند. مردم تا نیندیشند اساساً در این شرایط قرار ندارند که از سوی امامت و حکومت اسلامی امکان هدایت اذهان آنها وجود داشته باشد و هر جا که موضوع هدایت وجود نداشته باشد، اساساً و منطقاً جایی برای امامت باقی نخواهد ماند. بر این اساس اندیشه آزاد مقدمه لازم برای تحقق مهم‌ترین واجب اسلامی، یعنی تحقق و برپایی حکومت اسلامی است، اما روشن است که کار با آزادی اندیشه پایان نمی‌یابد. آزادی اندیشه به جای اینکه هدف و مقصد تلقی شود، راهی است که برای راهیابی به هدایت الهی باید از آن عبور کرد. نتیجه منطقی مقدماتی این است که از پایگاه حمایت از آزاداندیشی باید هر دو مطالبه را از دولت داشت.

علی آقاپور در یادداشتی به تبیین آزاداندیشی از منظر علامه جعفری می‌پردازد. نویسنده با بیان تفاوت‌های سه مفهوم آزادی، رهایی و اختیار در اندیشه علامه جعفری به مسائلی درباره تاریخچه آزادی و آزاداندیشی، تعریف آزادی و تقسیمات آن، جایگاه آزاداندیشی در دین و نسبت آن با دین، هدف یا وسیله بودن آزادی، معیارهای یک اندیشه مفید، مرز آزاداندیشی مطلق، پیامدهای مطلق بودن آزادی بیان و قلم و ... می‌پردازد.

محسن غروی‌ان در گفت‌وگویی با عنوان تحلیل در مقابل تخویف به نقد برخی فضاهای آزاداندیشی می‌پردازد. غروی‌ان موانع خاصی را برای آزاداندیشی جایز نمی‌داند، الاقیدهای راجع به قواعد منطقی که آنها را جزء الزامات عقلی و مربوط به تلازم‌ها و روابط متلازم بین

یک پروسه تاریخی نینجامد. بیگدلی در پایان اشاره می‌کند که آزاداندیشی در ایران در حد یک پروژه باقی ماند و به پروسه یا جریان تبدیل نشد. بیگدلی در این گفت‌وگو عمدتاً به بیان تاریخچه آزاداندیشی در ایران و غرب می‌پردازد.

محمدرضا معتضدیان در یادداشتی تحت عنوان اندیشناک و بی‌هراس به بررسی وجوه شخصیتی علامه طباطبایی و از جمله آزاداندیشی ایشان می‌پردازد و در این زمینه آرای برخی شاگردان ایشان از جمله علامه جعفری، آیت‌الله جوادی آملی، دکتر دینانی و دکتر شایگان را می‌آورد. این یادداشت عموماً به معرفی الگوهای آزاداندیشی می‌پردازد.

رضا غلامی در گفتگویی با عنوان «آزاداندیش به مثابه بت شکن» به بحث‌هایی نظیر نظر اسلام درباره آزاداندیشی، نسبت عقل با آزاداندیشی، خطوط قرمز آزاداندیشی، نسبت آزاداندیشی و تحول بنیادین علوم انسانی، تفاوت آزاداندیشی در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه، مسائل مطروحه در کرسی‌های آزاداندیشی و ... می‌پردازد.

علیرضا واسعی در گفت‌وگو با ماهنامه زمانه درباره موضوعاتی نظیر تعریف کرسی‌های آزاداندیشی، هیئت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نسبت میان کرسی‌های آزاداندیشی و نظریه‌پردازی، نقد کرسی‌های آزاداندیشی، میزان ظرفیت و کشش کرسی‌های آزاداندیشی در کشور، پیامدهای مثبت و منفی کرسی‌های آزاداندیشی و پیشنهادهایی راجع به ارتقای این کرسی‌ها بحث می‌کند.

عبدالحسین خسروپناه هم در گفتگو با این ماهنامه به طرح مسائلی نظیر مفهوم‌شناسی آزاداندیشی، اهداف هیئت حمایت از کرسی‌های آزاداندیشی، سازوکار هیئت حمایت از کرسی‌های نقد، نظریه‌پردازی و مناظره، دستاورد این هیئت، نقش آزاداندیشی در بسترسازی برای علوم انسانی بومی، تفاوت میان کرسی‌های آزاداندیشی و نظریه‌پردازی، نقاط ضعف و قوت کرسی‌ها، آسیب‌شناسی کرسی‌های آزاداندیشی، ظرفیت و کشش اجتماعی برای راه‌اندازی کرسی‌های آزاداندیشی، ارتقای آزاداندیشی، نسبت آزاداندیشی به دین و ... می‌پردازد. خسروپناه در این گفتگو به موانع آزاداندیشی اشاراتی دارد و آن را به سه دسته اجتماعی، فرهنگی، سیاسی-امنیتی و معرفتی تقسیم‌بندی می‌کند. وی موانع دسته اول را محصول استبداد اجتماعی می‌داند. موانع سیاسی امنیتی هم، آن زمانی اندیشه آزاد را سد می‌کنند که یکی از احزاب سیاسی

سیدمهدی ساداتی نژاد در گفتگویی با عنوان «آزاداندیشی؛ حرمت‌ها و حریم‌هایش» ابتدا به تعریف آزاداندیشی می‌پردازد، سپس سطوح، مؤلفه‌ها و شاخص‌های آزاداندیشی را مشخص می‌کند و به موضوع اسلام در مورد آزاداندیشی می‌پردازد. در ادامه از لحاظ تاریخی مفهوم آزاداندیشی را از زمان مشروطیت تا کنون مورد واکاوی قرار می‌دهد و اشاراتی به نقش حوزه و دانشگاه در حرکت به سمت آزاداندیشی دارد و در پایان هم به نسبت روشنفکری و آزاداندیشی می‌پردازد.

عبدالصمد جودتی در گفت‌وگویی با عنوان فطرت آزاد به بررسی نسبت میان آزاداندیشی با دین، فطرت و عقل می‌پردازد. وی معتقد است یکی از شاخه‌های حیاتی دین، آزاداندیشی است. وی در باب رابطه دیانت و روشنفکری به عنوان دو رویکرد در ظاهر غیرهمسودر تاریخ معاصر به مباحثی اشاره می‌کند و تلاش می‌کند گریزهایی هم به پیچیدگی‌های فراز و نشیب آن بزند.

عطاالله رفیعی آثانی نیز در گفت‌وگو با فضلنامه صدرامی‌کوشد به توصیف مفهوم و چستی‌فکر و اندیشه بپردازد. سپس به سراغ تبیین محدودکننده‌های آزاداندیشی می‌رود و دو عامل پیش‌فرض‌ها و مفروضه‌های گوناگون قبلی و محدودیت‌های روش‌شناختی را در این خصوص مهم‌تر و برجسته‌تر می‌داند. کوشش برای اثبات اینکه فلسفه از حیث آزاداندیشی برترین علم است و همچنین نقش بازارنده و تسهیل‌گر ساختارها در اندیشیدن آزاد و مهم‌تر از اینها نقش متعالی دین اسلام در گسترش یا تحدید مقوله آزاداندیشی، از دیگر محورهای بحث ایشان در این مجال بوده است. رفیعی توضیح نسبتاً مبسوطی از عناصر محدودکننده آزاداندیشی به دست می‌دهد.

عباس فتحیه در یادداشتی با عنوان «آزادی اندیشه و آزادی از اندیشه» تبیینی از جایگاه آزاداندیشی در منظومه فکری آیت‌الله جواد آملی به دست می‌دهد. نویسنده در این یادداشت تلاش می‌کند تبیینی از سه موضوع مستقل و ممتاز «آزادی اندیشه»، «آزادی اظهار اندیشه» و «آزادی از اندیشه» براساس منظومه فکری آیت‌الله جواد آملی ارائه دهد.

حسین احمدی‌منش نیز در یادداشتی با عنوان «انقلاب اسلامی و رمز‌تداوم آن» به کاوشی در نگاه آینده‌نگرانه شهید مطهری به مقوله آزاداندیشی می‌پردازد. نویسنده معتقد است شهید مطهری در زمره متفکران و پایه‌گذاران انقلاب اسلامی است که عنایت و اهتمام ویژه‌ای به موضوع آزاداندیشی نموده و در آثار و مکتوبات خویش به

مفاهیم و گزاره‌ها و قضایا می‌داند. البته غرویان در اینجا از قیدی صحبت می‌کند که قیدی نظری و راجع به مطلوبیت هاست، نه مانعی که توصیفی از موانع آزاداندیشی در عرصه‌های عینی و انضمامی باشد. البته در ادامه به موانع سیاسی و مدیریتی هم اشاره می‌کند، اما ریشه این موانع سیاسی را هم در دیدگاه‌های معرفتی می‌داند. ایشان در ادامه به آزاداندیشی در دانشگاه‌ها و نسبت آزاداندیشی و مسئله تکفیر و تفسیق علمی و نیز وضعیت آزاداندیشی در غرب و نسبت آزاداندیشی با نسبی‌گرایی، پلورالیسم و... اشاراتی دارد.

محمد میرسندسی در گفت‌وگویی با عنوان آرمان میانه به موضوعاتی نظیر تعریف آزاداندیشی، تبیین رویکرد انسان‌شناسانه به آزاداندیشی، نسبت آزادی بیان و آزاداندیشی، نسبت آزاداندیشی و پیشرفت و گفت‌وگو، لوازم و تبعات آزاداندیشی، نسبت آزاداندیشی و حاکمیت دینی، تاریخچه‌ای از وضعیت آزاداندیشی در جهان اسلام و غرب، نسبت آزاداندیشی و مشروطیت، نسبت آزاداندیشی و ترتیبات اجتماعی می‌پردازد و در بحث از موانع آزاداندیشی، عمده موانع را نهادی نبودن آزاداندیشی در ایران می‌داند. در نتیجه معتقد است ترویج و ماندگاری آزاداندیشی جز با تبدیل شدن آن به نهاد و امری قاعده‌مند ممکن نیست.

محمد فنایی اشکوری نیز در گفت‌وگویی در فضلنامه علوم انسانی صدرابه مواردی نظیر رابطه آزاداندیشی و تولید علم، رابطه آزاداندیشی و مقولاتی نظیر عدالت، قانون و روشنفکری می‌پردازد. وی به برخی موانع آزاداندیشی اشاراتی دارد و موانع آزاداندیشی را به دو دسته موانع درونی و بیرونی تقسیم می‌کند و موانع سیاسی و اجتماعی را از سنخ موانع بیرونی و موانع فکری و اخلاقی را از سنخ موانع درونی می‌داند. وی معتقد است موانع بیرونی به طور مستقیم و به معنای دقیق کلمه نمی‌توانند مانع آزاداندیشی باشند؛ چراکه اندیشه در خلوت ذهن افراد جریان دارد و کسی نمی‌تواند مانع آن باشد. این عوامل می‌توانند از نشر و اظهار اندیشه ممانعت کنند که به طور غیرمستقیم در منع اندیشه مؤثر است. فنایی اشکوری موانع درونی را از موانع بیرونی مهم‌تر می‌داند و معتقد است موانع درونی نه تنها مانع نشر و اظهار اندیشه می‌شوند، بلکه قبل از آن مانع اندیشیدن می‌شوند. وی مهم‌ترین موانع درونی را موانع اعتقادی، اخلاقی و تربیتی می‌داند و معتقد است موانع اخلاقی و روانی مثل علائق، منافع، ترس، تعصب، تقلید، بدبینی و خوش‌بینی موجب خودسانسوری و انسداد تفکر می‌شود؛ چنان‌که موانع فکری و اعتقادی هم راه تفکر را می‌بندد.

تبیین دیدگاه‌های خود در آن زمینه توجه داشته است. در این نوشتار با رویکردی تحلیلی و با بازکاوی آثار ایشان تلاش شده است تا اهم نظرات ایشان درباره شقوق مختلف آزادی اندیشه و تفکر و مباحث مرتبط با آن بازخوانی شده و دوباره ارائه گردد. در این مجال اندیشه‌های استاد در خصوص تمایز میان عقیده و تفکر، خلأها و کاستی‌های اعلامیه حقوق بشر، جایگاه آزادی اندیشه در اسلام، نسبت اندیشه و ایمان در اسلام در قیاس با مسیحیت، انقلاب اسلامی و آزاداندیشی به شکل موجز و کوتاه شرح داده شده است.

محمدرضا معتضدیان در یادداشت «اسلام و مکتب آزاداندیشی در نگاه حسن رحیم پور ازغدی» به تبیین آرای وی در باب آزاداندیشی نگاهی توصیفی دارد. نویسنده معتقد است برای فهم آزاداندیشی در نگاه رحیم پور، باید به دو مفهوم سکولاریسم و روشنفکری در اندیشه وی توجه داشت. نویسنده مدعی است که رحیم پور به راه سومی میان تحجر و روشنفکری قائل است و آن آزاداندیشی است.

همچنین وی در یادداشتی با عنوان «آزاداندیشی و معضل سیاه چاله‌های فرهنگی» به تبیینی راجع به این مسئله می‌پردازد که چرا و چگونه جریان‌های افراطی و متحجر قدرت می‌یابند و با جریان‌های آزاداندیشی به تقابل برمی‌خیزند، در حالی که خودشان پیش از آنکه به اتوریته قدرت دست یابند، آزاداندیشانه و روشنفکرانه مشی‌طریق می‌کرده‌اند. نویسنده در ادامه به آفات آزاداندیشی توجه می‌کند و از آن میان به آفاتی نظیر «اعتقاد زدگی»، «سیاست زدگی»، «فریب آزادی بیان» و «آستانه تحمل سازمانی» می‌پردازد.

مهدی علیزاده نیز در یادداشتی با عنوان «اخلاق در ساحت تفکر» به تشریح رابطه میان آزاداندیشی و اخلاق می‌پردازد و تبیینی از این مسئله در سه ساحت فرد، دین و جامعه ارائه می‌دهد.

علی مهدیان نیز در یادداشتی با عنوان «آزاداندیشی در سایه سار علم دینی» به تشریح برخی چارچوب‌ها و الزامات علم دینی می‌پردازد و معتقد است به علت اشتراکات مقوله آزاداندیشی از منظر دین اسلام با بخشی از عناصر علم دینی، می‌توان ویژگی‌های مورد بحث در این یادداشت را جزء الزامات اساسی آزاداندیشی هم محسوب می‌شود.

غفاری فرد در یادداشتی با عنوان «نفسانیات، خشت اول آزاداندیشی» عمدتاً راجع به موانع درونی آزاداندیشی بحث می‌کند.

فرزاد جهان‌بین در یادداشت «آزاداندیشی؛ پیشران تحقق اهداف انقلاب اسلامی» برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی را تنها راه تربیت عقلانی می‌داند.

نشریه دانشجویی انعکاس (خرداد ۸۹) نیز در ۸ پرونده به مسائل مختلف راجع به کرسی‌های آزاداندیشی پرداخته است.

در ابتدای پرونده به آرای تعدادی از متفکران اسلامی در باب آزادی و آزاداندیشی پرداخته شده است و در بخش دوم با تعدادی از مسئولان مصاحبه شده است.

محمد محمدیان، مسئول نهاد رهبری دانشگاه‌های کل کشور، ضمن مفهوم‌شناسی کرسی‌های آزاداندیشی به نقش نهاد رهبری در راه‌اندازی این کرسی‌ها اشاره می‌کند و به مباحثی نظیر ملاحظات کرسی‌ها، موضوعات مطرح شده در کرسی‌ها، نسبت مناظره و حقیقت، امکان تفاهم در کرسی‌ها، حدود آزادی بیان، ویژگی‌های مناظره‌کنندگان و هیئت داوران اشاراتی دارد.

محمدباقر خرمشاد معاون فرهنگی وقت وزیر علوم، عمدتاً به مباحثی نظیر تعریف کرسی‌های آزاداندیشی

و تفاوت آن با کرسی‌های نظریه‌پردازی، علت تأکید رهبری بر مسئله آزاداندیشی، وظیفه افراد و نهادها در برگزاری کرسی‌ها و به طور خاص نقش وزارت علوم، ملاحظات کرسی‌ها و محدودیت‌های آن و روش‌ها و دوره‌های نظریه‌پردازی در دیگر کشورها می‌پردازد.

خواجه سروی معاون وقت وزیر علوم هم با ذکر مسائلی نظیر تعریف کرسی‌های آزاداندیشی، وظایف وزارت علوم، آیین‌نامه کرسی‌ها، علت تأکید رهبری بر آزاداندیشی، به برخی دیگر از مسائل نظری و نیز فنی اشاراتی دارد.

علی اکبر رشاد نیز در مصاحبه‌ای به تعریف کرسی‌های آزاداندیشی، خانه ملی گفت‌وگو، محدوده آزادی بیان، اولویت‌بندی مسائل جهت طرح در کرسی‌های آزاداندیشی و نسبت بین مناظره و رسیدن به حقیقت می‌پردازد.

مسعود فیاضی نیز معتقد است حوزه معرفتی در کرسی‌های آزاداندیشی بر حوزه سیاسی مقدم است. وی ضمن تعریف کرسی‌های آزاداندیشی به مباحثی چون تفاوت آزاداندیشی و آزادفکری، ملاحظات کرسی‌ها، شیوه برگزاری کرسی‌ها، موضوعات مطروحه، حدود آزادی بیان در اسلام، هیئت داوران کرسی‌ها و... اشاره می‌کند.

مخبردزفولی سخنگوی شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز درباره نقش شورا در خصوص بسط فضای آزاداندیشی و اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت آن نکاتی را مطرح کرد.

در بخش دوم نیز با استادان مختلفی درباره آزاداندیشی مصاحبه شده است.

برخی گفت‌وگوها هم در رسانه ملی در خصوص آزاداندیشی صورت گرفته که به چهار گفتگوی مهم که در برنامه اندیشه‌ای زاویه مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند اشاراتی مختصر خواهد شد:

مناظره میان نعمت‌الله فاضلی و احمد آکوچکیان در ۱۵ اردیبهشت ۹۵ در برنامه زاویه از شبکه چهار سیما درباره رابطه آزاداندیشی و تولید علم. در این گفت‌وگو و گوبه‌سؤالاتی چند پاسخ داده شد: نخست اینکه رابطه نظریه‌پردازی و آزاداندیشی و تولید فکر چگونه است؟ دوم اینکه در فرآیند تولید فکر و تفکر نهادی مثل کرسی‌های آزاداندیشی چه جایگاهی دارند؟ سوم جامعه امروز ایران چه نیازی به کرسی‌های آزاداندیشی دارند؟ و در آخر آیا کرسی‌های آزاداندیشی سابقه‌ای در جهان جدید و سنت ایرانی و اسلامی دارند؟

مناظره میان علیرضا واسعی و سعید زیباکلام با حضور نجف لک‌زایی و محسن مهاجرنیا. در این گفت‌وگو واسعی تأکید می‌کند که در بحث امکان یا عدم امکان آزاداندیشی، در نظر تنها چیزی که امکان آن ناممکن است، امر متناقض است. وی معتقد است که موانع فراوانی در امر آزاداندیشی در ایران وجود دارد که عملاً فعالیت آزاداندیشانه را با مشکل همراه می‌کند. آزاداندیشی، آزاداندیشی در معارف و دانش‌ورزی است.

آزاداندیشی صرف نظر از میزان آزادی در جامعه مطرح است و به نوعی آزادی از تعلق درونی و بیرونی است.

زیباکلام در پاسخ به این پرسش معجزی که آیا آزاداندیشی ممکن است می‌گوید: انسان فارغ از تعلقات نداریم. هر انسانی دارای یک سری تعلقات، ارزش‌ها، امیال و هوس‌هاست، صرف نظر از اینکه این تعلقات رحمانی، نفسانی، الهی، مادی و الحادی باشد. انسان اندیشه‌ورز مجموعه‌ای از باورهاست و این باورها در کوچک‌ترین سطح از تفکر تا ژرف‌ترین و تخصصی‌ترین حوزه جود دارد و انسان بدون این باورها قادر

به اندیشیدن نیست. اگر انسان‌ها را از باورهایشان خالی کنیم، در هر حوزه‌ای اعم از اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، علمی قادر به اندیشیدن نیست و آزاداندیشی فارغ از پیش‌ورزها و باورها محال است. نجف لک‌زایی هم در این گفت‌وگوشماره می‌کند به اینکه آزاداندیشی جزئی از پیکره اجتماع است، آزاداندیشی با توجه به مبانی فلسفی حکمت متعالیه و حرکت جوهری ملاصدرا امکان‌پذیر است. محسن مهاجرنیا هم در این گفت‌وگوشماره می‌کند که تلقی مطلق‌انگارانه از آزاداندیشی ناصواب است. آزاداندیشی یک امر اجتماعی است و مانند تمام عوامل اجتماعی دارای پیش‌فرض‌هایی است.

مناظره میان غلامرضا خواجه سروی و باقر میرعبدالهی درباره آزاداندیشی و تولید علم.

مناظره میان پرویز امینی و سیدمجید کمالی درباره آزاداندیشی.

د) منابع غربی

در غرب هم برخی کتب و مقالات به بررسی آزاداندیشی پرداخته‌اند که به صورت مختصر به برخی از مهم‌ترین آنها اشاراتی خواهد شد.

کتاب گفتاری در باب آزاداندیشی (A Discourse of freethinking) نوشته آنتونی کالینز است که برای نخستین بار به مفهوم آزاداندیشی و مصادیق آن اشاره کرده است.

مقاله معروف «روشنگری چیست؟» کانت نیز ضمن بحث در باب روشنگری و مفهوم آن، به آزاداندیشی نیز اشاراتی دارد. این متن در سال ۱۷۸۳ نوشته شده است. میشل فوکو در سال ۱۹۸۳ تفسیری از این یادداشت کانت ارائه می‌دهد و متن آن را بازبینی می‌کند. این متن توسط همایون فولادپور نیز به فارسی ترجمه شده است. کانت در برخی جاهای مقاله به نسبت میان «آزاداندیشی» و «روشنگری» اشاراتی دارد؛ آنجا که می‌گوید: «در عوض اینکه عامه ذهن خود را روشن کند، شدنی است و آنجا که عامه از آزادی برخوردار باشد، روشنگری کمابیش ناگزیر می‌شود؛ چرا که همواره در میان سرپرستان جافتاده توده نیز آزاداندیشانی یافت می‌شوند که چون خویشتن را از یوغ کودکی رهانیدند، در پیرامونشان روحی می‌پراکنند که ارزیابی خردمندانه هر انسان و گرایش ذاتی او به آزاداندیشی را ممکن می‌کند.» (ترجمه از متن مقاله)

کانت در این مقاله به بحثی مستقل درباره موانع آزاداندیشی پرداخته، ضمن آنکه به نظر می‌رسد مسئله اصلی او تبیین مفهوم روشنگری بوده، نه آزاداندیشی؛ گرچه می‌توان در این مقاله، دلالت‌هایی را هم مبنی بر یکسان‌انگاری هر دو مفهوم در اندیشه کانت پیدا کرد.

برتراند راسل نیز در خطابه‌ای در سال ۱۹۲۲ با عنوان آزاداندیشی و تبلیغات رسمی (Free Thought and official Propaganda) به تبیین آزاداندیشی می‌پردازد. راسل در این خطابه سه مانع عمده را برای آزاداندیشی برمی‌شمرد: آموزش و پرورش، پروپاگاندا (تبلیغات) و فشار اقتصادی. راسل با وجود آنکه در هر سه حوزه صحبت می‌کند، از دریچه‌ای غیر از فرهنگ سیاسی به این مسائل می‌پردازد. ضمن آنکه شاید بتوان یکی از این عوامل را (پروپاگاندا) در شمار موانع آزاداندیشی به حساب آورد که ریشه در فرهنگ سیاسی دارد.